

نظامیات در ادبیات فارسی: (مطالعه موردی؛ اسکندرنامه نظامی گنجوی)

نقی فلاح نژاد^۱

چکیده:

از درون مایه‌های قابل‌اعتنا در آثار ادب فارسی مقوله نظامیات است. مُراد ما از نظامیات شامل آن آموری می‌شود که به امر و رأی نظامی پرداخته می‌شود. نظامی گنجوی از سراینندگان برجسته ادبیات رزمی و بزمی بشمار می‌رود. یکی از آثار برجسته نظامی در حوزه ادبیات رزمی اسکندرنامه است این اثر که در دو بخش (شرف‌نامه و اقبال‌نامه) تدوین شده است شرح جنگاوری‌های اسکندر مقدونی است. نظامی در اسکندرنامه سه تصویر متمایز از اسکندر ترسیم می‌کند. در این پژوهش به یکی از این تصاویر پرداخته می‌شود. تصویری که او را پادشاهی صاحب تخت و تاج، ولایت‌ستان و جهانگیر نشان می‌دهد. اسکندر برای دست یافتن به این همه توفیق در عرصه نظامی از کدام شیوه و شگرد بهره برده است. مؤلفه‌های کامیابی او در عرصه نظامیگری چه آموری بوده است. و درنهایت منش شخصی او از کدام ویژگی نظامی بهره‌مند بوده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش جایگاه، اهمیت و امکان به‌کارگیری اندیشه‌های قدما می‌باشد، مشخص گردید تا زمانی که آدمی از روی غریزه به نبرد می‌پردازد، مؤلفه‌هایی از قبیل: انتخاب محل جنگ، نحوه آرایش سپاه، ترکیب جمعیتی سپاه، استفاده از قومیت‌های گوناگون در ترکیب لشکر، روحیه جنگاوری، دادن وعده غنائم جنگی و پاداش مادی، دیده‌بانی، حفاظت از مناطق تصرف‌شده، استفاده از حربه رُعب و وحشت‌افکنی در میان سپاه دشمن، رجزخوانی، عنصر موسیقی یا مارش نظامی، مین‌گذاری، استفاده از منجنیق، مقابله‌به‌مثل، که از شگردهای موردِ اِعتنای اسکندر درنبرد با مخالفین بوده به شکل‌های نوینی کاربرد خواهد داشت.

واژگان کلیدی

نظامیات، اسکندرنامه، شرف‌نامه، نظامی گنجوی

مقدمه:

نظامی گنجوی، حدود سال ۵۳۰ هـ. ق " (صفا، ۷۴، ص ۳۱۵) در شهر گنجه واقع در سرزمین آران، دیده به جهان گشود، نام او الیاس و نام پدرش یوسف بود. و نام جدش زکی یا مؤید الدین زکی بوده است. مادرش رئیسه از گردان آن نواحی است. دایمی او، خواجه عمر، عزیزش می داشته و مرگش برای او که از سرپرستی پدر و مادر محروم بوده فاجعه دردناکی به شمار می آمده است. این اطلاعات شناسنامه ای در مقدمه لیلی و مجنون ثبت شده است. (لیلی و مجنون، ۷۶، ۴۴-۵۰)

این طور به نظر می رسد که خاندان وی در گنجه دارای عزت و احترام و مقام اجتماعی ممتازی بودند اینکه او توانسته است سالهای جوانی خود را صرف درس و بحث کند و علوم مختلف را بیاموزد حاکی از این موقعیت بوده است. چنان که از شعر او برمی آید وی بر دانش های مختلف نظیر نجوم، کیمیا، رمل، اسطرلاب، فلسفه و کلام احاطه داشته است. نظامی فرمانروای قلمرو داستان سرایی است. عده زیادی تلاش کردند تا جایگاه و مقبولیت وی را به دست آرند و به همین منظور به سرودن منظومه های داستانی همت گماردند، اما هیچ یک، مقام نظامی را نیافتند. نظامی جزو سلسله شاعران توانمند در ادب پارسی است. وی به جز داستان سرا بودن و احاطه علمی به علوم زمانه، حکیمی اخلاق گرا است این جنبه از منش او گاهی باعث می گردد تا بیان داستان را متوقف کند و به خواننده پند دهد. همان طور که می دانیم خمسه وی متشکل از کتاب های مخزن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه است، که کتاب اخیر و به ویژه بخش شرف نامه در متن پیش رو مورد بررسی قرار می گیرد. نظامی سی سال از عمر گران بهای خویش را صرف این آثار نموده است و آخرین تجدیدنظر خویش را برای آخرین آن ها یعنی، اسکندرنامه، به سال (۵۹۹ هـ. ق) انجام داده است. اسکندرنامه خود به دو بخش شرف نامه و اقبال نامه تقسیم می گردد. این اثر که در حدود ۱۰۵۰۰ بیت است، به نام عزالدین مسعود بن ارسلان سلجوقی به نظم کشیده شده است.

نظامی در نظم داستان های خویش، به جز لیلی و مجنون، بدون تردید شاهنامه را در پیش چشم داشته است و تلاش کرده است تا به اقتدای فردوسی و اثر سترگ وی، شاهنامه، به آفرینش ادبی بپردازد او در پردازش شخصیت اسکندر در اسکندرنامه، به گونه ای عمل کرده است تا یادآور شخصیت کیخسرو در شاهنامه باشد. نظامی شاعری گوشه گیر بوده است و

سرانجام نیز این شاعر بزرگ در سال (۶۰۸ هـ ق) در تنهایی و گوشه‌نشینی درگذشت و در گنجه به خاک سپرده شد.

زکریای قزوینی صاحب آثار البلاد (۶۷۴ هـ ق) درباره گنجه که محل ولادت و وفات نظامی بوده و نظامی به اعتباری برآمده فرهنگ آن ولایت بوده است می‌نویسد: "گنجه (گنجه) شهری است آستوار و کهن از بلاد آران به سبب نزدیکی به گرجها از ثغور مسلمین است. مردم گنجه چون هم‌مرز با کفارند غالباً در به کار بردن سلاح و استعمال آلات حرب ممارست دارند. (عبدالمحمد آیتی، ۷۴، ۱۳)

بنابراین گنجه، در ایام زندگی نظامی، در نقطه سرحدی بین مسلمین و نصاری گرجستان واقع بوده است و به‌نوعی ثغر دنیای اسلام به حساب می‌آمده است و دائماً در معرض هجوم گرجی‌های مسیحی بوده است و این سبب می‌شده است تا جوانان آن سرزمین برای حفظ آمادگی در برابر دشمن، به آموزش سلاح داری و تمرین جنگ و سواری الزام شوند و به‌احتمال فراوان همین تمرین‌ها سبب شده است تا نظامی با اصول جنگ و سلاح داری تا حدی آشنا شده باشد. گذراندن این تمرین‌ها همچنین سبب شده است که نظامی به‌رغم عزلت‌گزینی که در خوی وی بوده است؛ با فرهنگ عامه آشنا گردد و آن را در شعر خویش منعکس سازد. آنچه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند، این نکته است که نظامی گنجوی با توجه به این آموزش‌ها توانسته است گنجینه‌ای از نظامیات و آداب و تدابیر جنگی را بیاموزد و همین آموزش‌ها هستند که وی را در خلق شاهکاری ادبی - حماسی - نظامی، یاری می‌دهند. وی در اثر گرانبار خود: اسکندرنامه، با توجه به همین دانش‌ها توانسته است اثری خلق کند که حاوی نکات مهمی از نظامیات باشد. اسکندر در این سفرها و جنگ‌های متعدد، آنچه به کار می‌بندد و به تجربه می‌اندوزد: از جنگ با زنگیان و دارا و دیگران گرفته تا فتح دژهایی در البرز کوه و سفر به مکه و ساختن آیینه و جز آن در بردارند نکات مهم نظامی و فرماندهی است که می‌تواند برای هر خواننده علاقه‌مندی به نظامیات سودمند باشد.

شخصیت اسکندر در اسکندرنامه

همان‌طور که می‌دانیم، اسکندر در متن‌هایی نظیر اسکندرنامه، شخصیتی متفاوت با اسکندر مقدونی فاتح بزرگ تاریخ دارد. این اسکندر با اسکندری که ما در تواریخ مختلف و گوناگون می‌بینیم تفاوتی گسترده و آشکار دارد او که چهره‌ای کشورگشا و در مواردی خون‌ریز در تاریخ بشریت دارد. در متونی نظیر اسکندرنامه و در نظر قدما سیمایی

پیامبرگونه، دین‌دار و دانش‌دوست دارد. وی که از تبار ملک فیل قوس (همان فیلیپ مقدونی) است؛ در اسکندرنامه پادشاهی دادگر و همراه و دوست خضر نبی (ع) است. که به همراه او سفرها می‌کند و به دنبال آب چشمه زندگانی می‌رود و بدیهی است که از آن چهره منفور که ما ایرانیان امروز از او می‌شناسیم در این متن خبری نیست.

بر طبق آنچه در شرف نامه آمده است نظامی چند روایت درباره اسکندر و تبار او شنیده بوده است و هر یک را نقل کرده است: اول اینکه اسکندر زاده زنی رومی و زاهد است که در متن نامی از او نیامده است و چون به آبستنی بیچاره می‌گردد و از شوی و شهر خود آواره، در ویرانه‌ای وضع حمل می‌کند و از دنیا می‌رود اما از بخت‌بلند کودک ملک فیل قوس که، پذیرای فرمان او روم و روس است، در دشت گذر می‌کرده است؛ که کودک را می‌یابد و او را می‌پرورد و ولیعهد خویش می‌سازد. دوم قولی است از دهقان آذرپرست، که نسب او را به دارا بازمی‌رساند و سوم قولی است، به نظر خود نظامی معتبر، که بر طبق آن اسکندر فرزند فیل قوس است، از یکی از کنیزان یا زنان وی که نظامی این‌گونه زاده شدن اسکندر را از او به هنرمندی هرچه تمام‌تر به تصویر می‌کشد.

درست آن شد از گفته هر دیار
 دگر گفته‌ها چون عیاری نداشت
 که از فیل قوس آمد آن شهریار
 سخنگو بر آن اختیاری نداشت

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۱۵)

نظامی؛ گویا، در سرودن اسکندرنامه قصد معارضه با فردوسی را نیز داشته و چون شخصیتی درخور توجه نمی‌یافته به‌ناچار او را که به‌زعم بعضی کشورگشای و به نظر برخی حکیم و طبق رأی گروهی پیغمبر بوده است، شخصیتی با هر سه ویژگی فوق معرفی نموده و شاید به‌گونه‌ای قصد رویارویی این شخصیت با والامقامی چون کیخسرو را داشته است و برای نیل به این منظور علاوه بر پرداختن به شخصیت نظامی اسکندر او را پادشاهی پیامبرگونه تصویر نموده است. (نظامی، دستگردی، ۱۳۷۸، ۱-یب)

اهمیت مسئله:

شاید بسیاری از خوانندگان و علاقه‌مندان مسائل نظامی به این مسئله تطفن نیافته باشند که کثیری از اندیشه‌های نظامی در طول تاریخ بی‌تغییر می‌مانند، و نیز از اینکه بسیاری از مسائل نظامی که در متون کهن و بالأخص در اسکندرنامه به آن‌ها اشاره شده است، همچنان حائز اهمیتی انکارناپذیرند و حجم انبوهی از این مسائل همچنان به همان‌گونه و شیوه کهن مورد استفاده قرار می‌گیرند. مولانا درباره طبیعت ثابت بشری در بعضی از امور می‌گوید:

رگ است این آب شیرین و آب در خلائق می‌رود تا نفخ صور

اگرچه بسیاری از مسائل نظامی به سبب تغییر چهره جنگ‌ها به مدد دستاوردهای نوین بشری، تغییر یافته است اما با اندک دقت می‌توان دریافت که بشر دنیای نو شاید ابزاری جدید به دست آورده باشد، اما نحوه نگاه او به این ابزار در بسیاری از مواقع بسیار نزدیک به نگاه بشر کهن است. تأمل در نگاه پیشینیان در امور مهم و حیاتی از قبیل آداب جنگ و صلح که اتخاذ شیوه‌ای خاص گاهی موجبات پیروزی و نیز گاهی اسباب شکست آن‌ها را در پی داشته است، برای اخلاف اهمیت غیرقابل‌انکاری در کسب تجربه دارد. بنابراین از این چشم‌انداز همیشه باید از گذشته عبرت و درس بگیریم و مایه عبرت آیندگان قرار نگیریم. این مثل سایر که می‌گوید: من جرب المجرب حلت به الندامه (هر کس آزموده را بیازماید پشیمان شود). بنابراین ما نباید اشتباه پیشینیان را دوباره مرتکب شویم. بلکه آنچه باعث پیروزی و سربلندی آنان گردیده سرمشق اندیشه و عمل ما قرار گیرد و آنچه باعث شکست و سرافکنگی آنان قرار گرفته اسباب عبرت و پند قرار گیرد. این سخن که از انوشیروان نقل شده است بسیار تأمل‌برانگیز است:

چرا مردمان از کاری پشیمانی خورند که از آن کار دیگری پشیمانی خورده باشد. (قابوس‌نامه، ۱۳۴۵، ص ۵۱) بنابراین ما با مطالعه و کشف رمز و راز توفیق و شکست دانش نظامی پیشینیان راه درست و بایسته را در اتخاذ راهبرد اندیشه نظامی مطلوب برای حال و آینده خود کسب می‌کنیم.

شیوه تحقیق:

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیلم استفاده شده است. تحلیلم روشی است که به شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و تم‌های مستتر در اطلاعاتی که مرتبط با سؤال تحقیق هستند می‌پردازد و در چند سطح قابل‌اعمال است. این روش یکی از روش‌های اصلی تحلیل اطلاعات کیفی می‌باشد. الگو و تم‌ها از دو روش قابل‌شناسایی هستند: با رویکرد تجربی پایین به بالا (مبتنی بر داده‌ها) و رویکرد نظری بالا به پایین (مبتنی بر نظر محقق)

تحلیلم می‌تواند به‌طور مستقیم از مصاحبه شفاهی، شنیدن سخنرانی یا از درون مستندات باشد. این مستندات می‌تواند مستندات دسته اولی باشد که محقق بار اول از مصاحبه، مشاهده یا از طرق مشابه به دست می‌آورد یا اینکه مستنداتی باشند که قبلاً توسط دیگران تدوین و نگارش شده‌اند. روال‌های مختلفی برای تحلیلم وجود دارد؛ باوجود تفاوت‌های

ظاهری که در سه مرحله جمع‌آوری و توصیف، سازمان‌دهی و تنظیم و در آخر تفسیر و بازنمایی الگوهای گوناگون وجود دارد، مدل ساده ولکات شامل سه مرحله توصیف، تحلیل و تفسیر مجزا شده‌اند (نیل و کمپ، ۲۰۰۹)

بر این مبنا فرایند تحقیق در ادامه تشریح شده است:

الف) توصیف داده‌ها: داده‌های گردآوری‌شده در این تحقیق بر اساس متن اسکندرنامه نظامی گنجوی بخش شرف نامه می‌باشد که در انتهای این گام و به‌منظور کدگذاری اولیه، متن سند به‌صورت دقیق بررسی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

ب) تحلیل داده‌ها: در این مرحله داده‌ها سازمان‌دهی، تنظیم و مقوله‌بندی شده‌اند. به این منظور داده‌ها خوانده‌شده، حاشیه‌نویسی شده و در انتها دسته‌بندی و کدگذاری شده است. ج) تفسیر داده‌ها: دو گام مهم در تفسیر داده‌ها برداشته شد. درگام اول تم‌ها استخراج شد و درگام دوم بین تم‌ها ارتباط برقرار شد. مطابق با روش آنالیزتم، پس از تحلیل داده‌ها و رسیدن به کدهای باز اولیه، تم‌ها یا زمینه‌ها تعیین و بعداز آن تنظیم شد.

پیشینه تحقیق:

با جستجوی جامعی که در منابع و مآخذ موجود درباره نظامی گنجوی انجام داده‌ایم از جمله کتاب "فرهنگ نظامی پژوهی - که به معرفی مقالات انتشاریافته درباره نظامی از (۱۳۰۰-۱۳۸۰) در ایران اختصاص یافته و شامل ۵۶۰ مقاله است. (نوروزی، ۱۳۹۲، مقدمه) و به اعتباری جامع‌ترین تحقیق به شمار می‌رود. مقاله‌ای درباره موضوع موردبحث معرفی نشده است. آثار نظامی از دیدگاه‌های مختلفی موردبررسی قرار گرفته‌اند و بسیاری از بزرگان ادب فارسی به آثار این شاعر بزرگ از جنبه‌های حکمی و ادبی گوناگون پرداخته‌اند؛ و نیز، با توجه به غلبه سبک شعر و شاعری او در ادبیات حکمی و غنائی کمتر کسی به جنبه‌های جنگاورانه، حماسی، قهرمانی و پهلوانی و درنهایت نظامی موجود در آثار وی توجهی درخور مبذول داشته‌اند.

فرضیه اصلی تحقیق:

اسکندرنامه نظامی که حول محور قهرمان و کشورگشایی چون اسکندر می‌چرخد، به مطالب و اندیشه‌های جنگاورانه و نظامی آن دوران و شگردها و دانش نظامی اسکندر و مشاورانش در پیشبرد اهداف او التفاتی تام داشته است. و بسیاری از جلوه‌های گوناگون آداب جنگ و صلح را در خود بازتاب داده است. و این تحقیق قصد دارد تا همین اندیشه‌ها

را که در نهایت منجر به پیروزی اسکندر بر دشمنانش گردیده در این اثر واکاوی و تحلیل کند.

اندیشه‌های نظامی در شرف‌نامه:

(۱) چینش سپاه:

شاید اولین مقوله‌ای که در جنگ به چشم آید، سپاه و سپاهیان و نحوه چینش آن‌ها باشد. چگونگی چینش سپاه در شرف‌نامه هرچند کامل و جزئی‌نگران نیست؛ اما، تا حدی نشان‌دهنده تلقی نظامی گنجوی از این امر مهم است. نظامی که به جنگ دارا با اسکندر بیش از همه پرداخته است، نحوه چینش سپاه اسکندر و دارا را در جنگ با یکدیگر این‌گونه تصویر می‌کند:

(۱.۱) چینش سپاه ایران به دست دارا:

ز تیغ اژدها را دهن باز کرد	نخستین صف میمنه ساز کرد
یکی کوه گفتی ز پولاد رست	صف میسر هم برآراست چست
که پوشیده شد روی خورشید و ماه	جناح آنچنان بست در پیشگاه
پناهنده را قلعه آباد بود	ز قلبی که چون کوه پولاد بود

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۹۴)

(۱.۲) چینش سپاه روم به دست اسکندر:

چو آرایش گلبن از اشک میغ	چپ و راست آراست از ترک و تیغ
برانگیخت قلبی ثریا شکوه	پس‌وپیش را کرد چون خاره کوه

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶: ۱۹۴)

البته این چینش با نحوه چینش سپاه اسکندر چنان‌که در آداب الحرب و الشجاعه آمده است تفاوت دارد. نحوه چینش سپاه اسکندر در مصاف با دارا در آداب الحرب والشجاعه به شیوه دال تصویر شده است و این شیوه این‌گونه است که طلایه و مقدمه در جلوی سپاه و پس‌از آن جناح اول و دوم و میمنه و میسر اول و دوم که از هیچ‌یک از این استراتژی‌ها و چینش‌ها در شعر نظامی خبری نیست. بنگرید به نقشه سپاه اسکندر (فخر مدبر، ۱۳۴۶: ۳۲۵)

(۲) ترکیب جمعیتی سپاه اسکندر:

طبق نظر نظامی در سپاه اسکندر با هر چینشی این پنج گروه حضور داشته‌اند:
الف- پهلوانان ورزیده و شمشیرزن.

ب- افسونگران.

ج- زبان آوران (سخنوران).

د- حکیمان باریک‌بین.

ه- پیران زاهد.

ز پولادخایان شمشیرزن	کمر بسته بودی هزار انجمن
ز افسونگران چند جادوی	کز ایشان شدی بند هاروت
زبان آورانی که وقت شتاب	کلیچه ربودندی از آفتاب
حکیمان باریک بین بیش	که رنجانم اندیشه خویش از آن
ز پیران زاهد بسی نیک مرد	که در شب دعایی توانند کرد

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۵۱)

این ترکیب بیانگر آن است که اسکندر اگرچه جنگاوران مختلف داشته است، حکما و مشاورانی نیز داشته، تا تدبیرجویی کنند و این بسیار مهم است؛ زیرا، این مشاوران و رایزنان هستند که در لحظه‌های سخت راهگشا هستند و مشکلات به تدبیر آنان حل می‌گردد. نکته قابل‌تأمل دیگر نیز حضور سخنوران است. این سخنوران احتمالاً برای تهییج سپاه و همچنین فریفتن و یا نرم کردن دشمنان مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند؛ افرادی مانند طوطیانوش که اسکندر او را به سپاه زنگیان می‌فرستد تا با استفاده از حربه‌ای به‌جز گشت و کشتار بتواند به هدف خود دست یابد و زنگیان را از جنگ منصرف کند. وصف او را چنین می‌خوانیم که فردی سخن‌پرور، آگاه از هر زبان، شیرین‌سخن و دلیر و دانش‌پرست بوده است:

ز رومی یکی بود بس مهربان	زبان‌آوری آگه از هر زبان
دلیر و سخنگوی و دانش‌پرست	به تیر و به شمشیر گستاخ دست
کشیده دمش طوطیان را به دام	سخن‌پروری طوطیانوش نام
به شیرین سخنه‌ای مردم‌فریب	ر بوده نیوشندگان را شکیب

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۳۱)

۳) استفاده از قومیت‌های مختلف در ترکیب سپاه:

در شرف نامه می‌بینیم که اسکندر در لشکر خویش از گروه‌ها و نژادهای مختلف استفاده می‌نموده است، که این نکته محل تأمل و درنگ است؛ چه، این موضوع در لشکرهای بزرگ آن زمان باب و رسم بوده است و این موضوع دلایلی خاص نیز داشته است. علاوه بر آنکه در لشکر به افرادی با توانایی‌های مختلف نیاز هست و معمولاً هر گروه از سربازان در استفاده از نوع خاصی از آلات و وسایل جنگی تبحر داشته‌اند و بزرگی لشکر خود دلیل بر حشمت و شکوه یک پادشاه و فرمانده نظامی بوده و هست دلیل دیگری نیز وجود دارد که آن دلیل این است که، لشکری متشکل از چند قومیت خود سبب می‌شود تا مردان هر قوم تهوری بیش‌تر از حد معمول از خود نشان دهند و اگر چنین نباشد سستی می‌کنند و در سیاست‌نامه نیز همین دلیل این‌گونه ذکر شده است:

«چون لشکر همه از یک جنس باشند از آن خطرها خیزد و سخت‌کوش نباشند و تخلیط کنند.»

(توسی، خواجه نظام‌الملک، ۱۳۸۹، ۱۳۸، ۱۳۹-۱۳۹)

در اسکندرنامه نیز دقیقاً به این چند دسته بودن لشکریان اسکندر اشاره شده است:

ز مصر و ز افرنجه و روم و روس شد آراسته لشکری چون عروس
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۷۱)

۴) سپاه بزرگ‌تر لزوماً پیروز نیست:

تعداد سپاهیان تضمین‌کننده پیروزی در جنگ نیست، چنانکه می‌بینیم، تعداد سپاهیان دارا یک و نیم برابر سپاه اسکندر بوده‌اند اسکندر و دارا که طبق گفته نظامی در اسکندرنامه - که البته باید بزرگنمایی حماسه را هم در این تعداد مدنظر قرارداد- هردو، لشکرهایی بس بزرگ در اختیار داشته‌اند؛ اما، تعداد سپاهیان دارا بیشتر بوده است. در این بیت می‌بینیم که تعداد سپاهیان دارا، نه‌صد هزار نفر بوده‌اند:

ز جنگی سواران چابک رکاب به نه‌صد هزار اندر آمد حساب
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۶۹)

و سپاهیان اسکندر شش‌صد هزار نفر:

خبر داد عارض که شش‌صد هزار برآمد دلیران مفرد سوار
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۷۱)

و همان‌طور که می‌دانیم، اسکندر در این جنگ پیروز می‌گردد. این خود نشان‌دهنده این موضوع است که مؤلفه‌های دیگری در جنگ اهمیتی به مراتب بیشتر از تعداد سپاهیان دارند. از جمله روحیه به شرحی که خواهد آمد.

۵) روحیه، عامل سرنوشت‌ساز

روحیه سپاه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در جنگ است و اگر سپاه روحیه کافی برای مقابله نداشته باشد، هر چند تاندان مسلح باشد و از نظر تعداد بیشتر، شکست را خواهد پذیرفت. روحیه عاملی است که سبب می‌شود، هر لشکر تا آنجا که می‌تواند مقاومت کند و شکست را به‌سادگی نپذیرد و به‌آسانی میدان را ترک نگوید. ریچاردسون در کتاب خود جمله‌ای از گزنفون نقل می‌کند: «من مطمئنم که شما می‌دانید که تعداد نفرت و قدرت، باعث پیروزی در جنگ نمی‌شود؛ بلکه هر ارتشی با نیروی روحی قوی‌تر به میدان نبرد وارد شود، معمولاً دشمنانش قادر نخواهند بود که در مقابل آن ایستادگی کنند.» (ریچاردسون، ۱۳۶۹، ۴) این جمله به‌ظاهر ساده یکی از مهم‌ترین نکات در روانشناسی جنگ است و شاید کمتر کسی وجود داشته باشد که نقش روحیه و وزنه روحی را در جنگ انکار نماید. در بسیاری از جای‌ها در متون مختلف تهییج روحیه سربازان سبب عوض شدن نتیجه جنگ گردیده است و بسیار دیده‌شده که یک لشکر باروچیه توانسته است لشکری بزرگ‌تر از خود اما، کم روحیه تر را شکست دهد. برای روحیه بخشی به سپاه راه‌های متعددی وجود دارد که در شرف نامه به بعضی از آن‌ها اشاره شده است:

۶) رجز خوانی:

یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم در اندیشه نظامی قدما بحث انگیزش از طریق رجز خوانی است. این رجز خوانی که در واقع برای تهییج سربازان خودی و ایجاد ترس در دل سربازان دشمن انجام می‌شده است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نبرد تن‌به‌تن است. پیش از شروع جنگ تن‌به‌تن اصولاً پهلوانانی که قصد جنگ داشتند به رجز خوانی می‌پرداختند و این‌گونه روحیه‌ای مُضاعف به خود و سربازان می‌دادند و باعث ایجاد ترس در میان سربازان دشمن می‌شدند. در جنگ‌ها عموماً فرماندهان و بزرگان به سخنرانی می‌پرداخته‌اند و این یکی از راه‌های انگیزش سپاهیان بوده است و از طرف دیگر گاه این کار به سبب تحقیر سپاهیان دشمن انجام می‌شده و اضطراب نیروهای خودی را کاهش می‌داده است. به‌عنوان مثال می‌توان به رجز خوانی‌های پهلوانان دو سپاه در جنگ اسکندر با روسیان و یا به رجز خوانی زراجه، پهلوان زنگیان، اشاره کرد. زراجه چنین رجز خوانی می‌کند:

بسی خویشان را به زنگی ستود که سوزان تر از آتشم زیر دود
زراجہ منم پیل پولاد خای که بر پشت پیلان کشم پیلپای
چو در پیلپای قدح می‌کنم به یک پیلپا پیل را پی کنم
... به مردم کشی ازدها پیکرم نه مردم کشم، بلکه مردم خورم
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۳۸-۱۳۹)

در هنگام رجزخوانی و یا سخنرانی‌های پرشور پیش از شروع جنگ هدف از این تحقیر طرف مقابل آن است که روحیه دشمن تضعیف گردد و در مقابل بر روحیه نیروهای خودی افزوده شود، از دیگر سو این امر در موقعیت اضطراب به کاهش تنش در وجود نیروهای خودی کمکی به سزا می‌کند و تهور آنان برای جنگ و ناورد و پیکار زیادت می‌گردد. اصولاً سخنرانی راهی مناسب برای تهییج سپاهیان است چنان‌که در جنگ ترواً در ایلید نیز می‌بینیم که آگامنون در میان سپاه می‌دود و با سخنرانی آن‌ها را به جنگ ترغیب می‌نماید. (هومر، ۱۳۷۲، ۱۹۲)

تزریق روحیه و ایجاد انگیزه از طریق دادن وعده غنائم جنگی:

سالار روس در خلال سخنانش به ثروتمند بودن سپاه اسکندر اشاره می‌کند و بحث غنائم جنگی را نیز پیش می‌کشد و دارایی‌های سپاه دشمن را نعمتی می‌داند که باید از آن بهره برد و این راه دیگری است برای تهییج سپاه خودی برای شتافتن به میدان نبرد:

اگر دیدمی این غنیت به خواب دهانم شدی زین حلاوت پرآب
یکی نیست در جمله بی تاج زر به دریا نیابیم چندین گهر
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۳۶۴)

قنطال روسی با هوشمندی سپاه خود را چنان می‌فریبد که همه با جان و دل آماده جنگ با اسکندر و سپاه او می‌گردند و نتیجه و ثمر این تهییج روانی همان است که همه در شرایط ذهنی مناسبی برای ناورد قرار می‌گیرند.

حضور عنصر موسیقی نبرد به‌عنوان مؤلفه تهییج کننده:

در اسکندرنامه در جای‌جای جنگ‌ها حضور آشکار عناصر موسیقایی احساس می‌شود و این حضور همان‌گونه که خواننده باهوش و مطلع حدس می‌زند به این دلیل است که سبب

تهییج سپاهیان و انگیختن آنان برای حضور هرچه فعالانه در میدان جنگ باشد. این عناصر که از اولین جنگ اسکندر یعنی نبرد وی با زنگیان تا آخرین جنگ اسکندر حضور دارند، نکته مهمی را حامل هستند که آن تفاوت تأثیرگذاری سازهای مختلف بر قوم‌های مختلف و در نتیجه تفاوت سازهای جنگی در میان اقوام مختلف است. چنان‌که می‌بینیم قوم‌هایی نظیر زنگیان و روسیان از درای و جرس به عنوان سازهای جنگی استفاده می‌کنند و اقوامی نظیر رومیان از طبل و کوس و بوق و مانند آن و ترکان از نای ترکی البته عنصر کوس و طبل و دهل و همانند آن به سبب آن‌که سازهای کوبه‌ای و به اصطلاح ریتمیک می‌باشند از دیرباز در جنگ‌های مختلف استفاده می‌شده‌اند و تأثیر آن‌ها در میزان هماهنگی افراد به اثبات رسیده است و همچنان هم در تمرینات نظامی و آموزش‌های سربازان استفاده می‌گردد و اصطلاح طبل بزرگ زیر پای چپ نیز همچنان در آموزش رژه به سربازان به کار می‌رود. در متن شرف نامه سازهای مختلفی به‌عنوان سازهای جنگی از اقوام مختلف معرفی شده‌اند، یکی از آن‌ها درای است که همان جرس یا زنگ گردن شتران است که صدایی خاص تولید می‌کند و روسیان از آن برای تهییج سپاه خویش بهره می‌جسته‌اند، ساز دیگر نای ترکی است که گونه‌ای ساز بادی است که برای تهییج ترکان به کار می‌رفته است و دیگر می‌توان به کوس اشاره کرد، که طبلی جنگی و بزرگ بوده است و در هنگام جنگ بر آن می‌کوفته‌اند تا مردان را تهور بیفزاید

درای/ نای ترکی/ کوس

دراهای روسی درآمد به جوش چو هندوی بیمار برزد خروش

همان نای ترکی برآورده شور به بازوی ترکان درآورده زور

غریویدن کوس گردون شکاف زمین را بر افگند پیچش به ناف

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۳۷۱)

انتخاب محل جنگ:

انتخاب محل جنگ همواره مهم است، سپاه درجایی اردو می‌زند که سختی را بر ارتش مقابل تحمیل نماید. همواره تعیین مکان جنگ یکی از دغدغه‌های اصلی فرماندهان جنگی بوده است. محل اردو زدن باید با توجه به توانشها و نیازهای لشکر و گاه حتی برای آزردن لشکر مقابل و با توجه به عناصر موردتوجه در جنگ انتخاب شود و چنانکه می‌بینیم سپاه

زنگیان برای آزار سپاه روم درجایی بی آب و علف و بسیار گرم اردو می‌زنند که گرما بسیار آزاردهنده است و خورشید سوزان:

به جایی گرفتند جای نبرد که گرما ز مردم برآورد گرد
زمینی ز گوگرد بی آب‌تر هوایی ز دوزخ جگر تاب تر
نه آبی درو سرد جز زهر ناب نه مه‌ری درو گرم‌تر از آفتاب
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۲۸-۱۲۹)

تله گذاری (مین گذاری)

یکی از تدابیری که بارها و در جنگ‌های مختلف به کاررفته است تله گذاری برای دشمن است. تله گذاری برای دشمن یکی از راه‌هایی است که استراتژی ست‌های مختلف از آن بهره جسته‌اند. در این جنگ نیز اشاره‌ای گذرا به این نکته می‌شود و در بیتی می‌بینیم که دو طرف بر سر رهگذر دشمن خَسک می‌ریزند و خسک میخی آهنی و سه پهلوست مثل خار خسک که جنگجویان قدیم برای عاجز کردن دشمن بر سر راه خصم می‌ریخته‌اند:

خسک بر گذرگاه کین ریختند نقیبان خروشیدن انگیختند
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۹۳)

دیدبانی و محافظت از لشکرگاه خودی پس از پیروزی مقطعی در جنگ

پس از آنکه اسکندر در جنگ زنگیان شب را پیروز به اردوگاه برمی‌گردد و یک پیروزی مقطعی به دست می‌آورد، نگهبانان و دیدبانان سپاه وی در شب پیروزی به مراقبت از اردوگاه خودی می‌پردازند:

رقیبان لشگر به آیین پاس نگهبان‌تر از مرد انجم شناس
یزکرداری از دیده نگذاشتند اتاقی که رسمی است می‌داشتند
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶: ۱۴۱)

یکی از مهم‌ترین کارهایی که سپاه پیروز باید پیش از پایان کامل جنگ انجام دهد نگهبانی و حفاظت از مواضع تصرف‌شده است؛ زیرا، مادامی‌که جنگ هنوز در جریان است و نتیجه جنگ نامشخص، مواضع هر لحظه در خطر هجوم دشمن قرار دارند علی‌الخصوص زمانی که دشمن زخم‌خورده است و در اندیشه تدارک یک حمله تلافی‌جویانه است، بسیار مهم به نظر می‌رسد و نباید مهمل‌گذارده شود؛ زیرا، اگر راه بر دشمن بازماند او از این فرصت استفاده کرده و با شبیخون و حمله غافلگیرانه مجدداً جنگ را به نفع خویش برمی‌گرداند. اسکندر و

سپاهش نیز از این موضوع آگاه‌اند و هنگامی اسکندر پس از نبرد اول تن‌به‌تن با زراج و دیگران پیروز به خیمه‌گاه خود بازمی‌گردد و سیاهی شب بر ناوردگاه سیطره می‌یابد نگهبانان شب را به پاسداری از اردوگاه می‌گذرانند.

اطلاعات

ایجاد ترس و وحشت در میان سپاه دشمن به وسیله خدعه‌گری و حفاظت:

نقش خدعه و تزویر در جنگ بسیار حیاتی است و در جنگ اسکندر با زنگیان به شکل پدافندی مؤثر عمل می‌کند؛ اسکندر این‌گونه وانمود می‌کند که مغز سر یکی از زنگیان را می‌خورد و با این تظاهر به درنده‌خویی و ایجاد این تصور که وی نیز خویی وحشی چون سالار زنگ دارد ترس را در دل زنگیان می‌اندازد و این خدعه‌گری به بار می‌نشیند. یکی از مهم‌ترین نکات در اندیشه جنگی ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان از راه خدعه و مکر و فریب است. جنگ محل تضارب انواع ترفندها و حیلها است و خام‌خیالی است که بدون مکر و فریب و خدعه بر دشمن ظفر توان یافت. این نکته بسیاری از اوقات نادیده گرفته می‌شود که یکی از ارکان برتری نظامی آن است که دشمن نقشه شمارا درک نکند و در دام بیفتد.

کبابی دگر خوردنم ناخوش است	چو زنگی به خوردن چنین دلکش
کزین خوش نمکتر نیام کباب	همه ساق زنگی خورم در شراب
مزور همی خورد از آن گوسفند	به‌رغم سیاهان شه پیل بند
چو ماران به صحرا رها کردشان	چو ترسیده اژدها کردشان

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۳۶)

این البته میسر نمی‌شود مگر با دقت و حفاظت صحیح از اطلاعات جان‌مایه این حرکت استراتژیک اسکندر است؛ اسکندر با مطبخی خود رازی را در میان گذاشته است که چنان وانمود کنند که وی خورشی از مغز سر یکی از زنگیان را می‌خورد، ولی باقی سپاه را مطلع نساخته است که این خدعه‌ای بیش نیست؛ چه، اگر خدعه اسکندر آشکار می‌شد و این داده سری و نهانی که اسکندر در واقع مغز آن زنگی نگون‌بخت را نخورده است به بیرون راه می‌یافت این حيله او جواب معکوس می‌داد و همه‌چیز را بیش‌ازپیش به هم می‌ریخت؛ زیرا، شخصیت فرمانده را نیز در نزد سپاهیان خودی و لشکر دشمن مخدوش می‌کرد. فرمانده و

شخصیت کاریزماتیک او در لشکر اهمیتی بسیار دارد و اگر این شخصیت در هم بشکند کار گره می‌خورد و شکست از پی می‌آید.

دگرگونه با مطبخی رفته راز که چون ساز می‌باید آن ترکناز
(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۳۶)

توجه به ویژگی‌های اقلیم‌های مختلف و میزان تأثیر آن‌ها بر حیوانات و ادوات جنگی:

اسکندر پس از مطیع ساختن هندوان و پس از آن حمله به فور و تاراج و شکست دادن آنان به سمت چین حرکت می‌کند و به سبب آنکه خاک هند مناسب اسبان نبوده است محل اسکان خود را تغییر می‌دهد و از تبت به سمت چین می‌رود یکی از نکات مهم در هنگام حرکت سپاه آن است که فرمانده مسیر حرکت را به‌گونه‌ای تعیین کند که کمترین آسیب به ادوات و ابزارآلات و حیوانات جنگی وارد کند و با توجه به آنکه تعمیر و جایگزین سازی این ابزارآلات و حیوانات کاری ساده نیست، باید در این امر دقت لازم را مبذول داشت. یک فرمانده نظامی باید همواره بهترین تصمیم را برای سپاهیان خویش بگیرد و انرژی آن‌ها را هدر ندهد تا بتوانند بهترین عملکرد را در هنگام نبرد داشته باشند. نظامی نیز به این نکته توجه داشته است و طبق گفته وی اسب در هندوستان و پیل در پارس تباه می‌شده‌اند که این دقت نظر نظامی را می‌رساند.

وز آنجا به رفتن علم برفراخت که آن خاک با بادپایان نساخت
سه چیز است کآن درسه آرامگاه هر سه کم عمر و گردد تباه
به هندوستان اسپ و در پارس پیل به چین گربه زین سان نماید دلیل

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۳۱۴)

استفاده از جاسوسان و نیروهای نفوذی در میان دشمن:

استفاده از نیروهای نفوذی آن قدر اهمیت دارد که می‌توان مدت‌ها در باب آن صحبت کرد، نقش حیاتی این نیروها که گاه اطلاعات مهمی را برای لشکر خودی می‌آورند و یا حتی با از بین بردن بخشی از سپاه دشمن و یا تسلیحات مهم وی، ورق جنگ را به سود لشکر خویش برمی‌گردانند، در شرف نامه هم مغفول نمانده است و اساساً با استفاده از همین نیروهاست که اسکندر پیروز جنگ با دارا می‌گردد. اسکندر درجنگ با دارا با استفاده از خیانت دو تن

از سرهنگان دارا به وی، موفق می‌شود که دارا را شکست دهد و بر جای او بر تخت نشیند و البته اگر دارا چنین تندخو نبود و خاصان بر وی خیانت نمی‌ورزیدند، پیروزی به این آسانی برای اسکندر رخ نمی‌نمود و کار جنگ احتمالاً به درازا می‌کشید. اما همین خیانت زمینه را برای پیروز اسکندر فراهم می‌کند. به هر حال این یکی از تاکتیک‌های جنگی است که دو سپاه معمولاً تلاش می‌کنند تا سربازان دشمن را بفریبند و از آن‌ها سودجویند و اسکندر نیز از همین حربه برای پیروزی بر دارا استفاده می‌کند و این در اخلاق جنگ کاری نسبتاً پذیرفته است. هرچند اگر اعتقاد قلبی به فرمانده وجود داشته باشد هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتد، بسیاری از جای‌ها در تاریخ شاهد این امر هستیم که خیانت فرد یا گروهی و تخطی آن‌ها از دستورات فرمانده سرنوشت جنگ را کاملاً تغییر می‌دهند و سون تزو نیز در برشمردن گونه‌های مختلف از جاسوسان و نیروهای مخفی یکی از گونه‌های نیروهای مخفی را فردی معرفی می‌کند که از سربازان دشمن است که به خدمت سپاه مقابل درمی‌آید. (سون تزو، حبیبی، ۱۳۶۴-۱۵۸-۱۵۹)

به اخلاص نزدیک و دور از خلاص	به دارا دو سرهنگ بودند خاص
دل آزرده‌گی در میان آمده	ز بیداد دارا به جان آمده
برو کین خویش آشکارا کنند	بران دل که خون‌ریز دارا کنند
به خون از سکندر امان خواستند	چو زین گونه بازاری آراستند
به دارا ز ما خاص‌تر نیست کس	که ماییم خاصان دارا و بس
به خون‌ریز او همگروه آمدیم	ز بیداد او چون ستوه آمدیم

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۹۷)

نبرد تن‌به‌تن:

متون کهن فارسی صحنه‌های جنگی زیبا و بدیعی را در خود جای داده است و می‌توان به جرات گفت که اکثریت این زیبایی در آن بخشی به چشم می‌خورد که نبردی تن‌به‌تن میان دو پهلوان رخ می‌دهد صفحات زیادی از متون حماسی ما که درون‌مایه‌ای پهلوانی و قهرمانی یا به دیگر سخن نظامی دارند به توصیف نبردهای تن‌به‌تن میان پهلوانان اختصاص یافته است و کمتر کسی وجود دارد که به این نکته عنایت نداشته باشد. جنگ تن‌به‌تن اغلب سرنوشت‌سازترین و مهم‌ترین مؤلفه جنگ‌های قدیم بوده است و نمونه‌های

آن در متون بسیاری اعم از فارسی یا غیرفارسی یافت می‌شود. نبرد تن‌به‌تن در بسیاری از اوقات تعیین‌کننده پیروز جنگ بوده است؛ چه وقتی پهلوانان بزرگ در این نبرد کشته می‌شدند تضعیف روحیه سربازان آنان را به شکست نزدیک‌تر می‌ساخته است و کمترین جنگی را سراغ داریم که پیروز آن‌طرفی باشد که پهلوانان خود را در صحنه نبرد تن‌به‌تن از دست داده است. در واقع نبرد تن‌به‌تن نشان‌دهنده عیار هر دو لشکر بوده است و پهلوانان مؤلفه اصلی مشخص‌کننده این عیار و ارزش در ادبیات کهن و به‌خصوص در حماسه یک سرباز عادی اهمیت چندانی ندارد بلکه این پهلوانان هستند که با حضور و دلاوری خویش سرنوشت جنگ‌ها را رقم می‌زنند و این ذات حماسه است. در حماسه سخن از افراد بزرگ و پهلوانان و بزرگان است و این خود لزوم هرچه باشکوه‌تر بودن این نبردها را در دل این آثار بیشتر می‌کند. اسکندرنامه نیز از این قاعده مستثنی نیست و این کتاب سترگ نیز همچون هر حماسه دیگری به این موضوع آن‌چنان که شایسته است پرداخته است. نکته مهمی که در این باب مطرح است آن است که جنگ اسکندر با زنگیان در ابتدا با نبرد تن‌به‌تن آغاز نمی‌شود و در میانه جنگ و نبرد است که به نبرد تن‌به‌تن می‌پردازند. بهترین نمونه جنگ‌های تن‌به‌تن در شرف‌نامه، در جنگ‌های هفتگانه اسکندر با روسیان آمده است و این جنگ‌ها که در آن پهلوانان بسیاری شرکت دارند، عرصه‌ای است برای عرض‌اندام و نشان دادن توانایی‌های نظامی و جنگی از طرف هر دو سپاه.

به کاربردن منجنیق:

اسکندر هنگام محاصره قلعه‌ها از یکی از ادوات مهم جنگی استفاده می‌کند. آن سلاح منجنیق است که سلاحی بسیار قدرتمند برای از بین بردن استحکامات دشمن است. در کتاب امپراتوری اسکندر اثر دبرا اسکلتن و پاملا دل، اسکندر به‌عنوان دومین فرمانده نظامی ثبت‌شده، پس از پدرش فیلیپ (فیلقوس)، در تاریخ معرفی می‌گردد که از تکنولوژی منجنیق استفاده نموده است و از آن برای نیل به اهداف نظامی خویش بهره جسته است و موفق و پیروز گشته است. (اسکلتن، ۲۰۰۳: ۲۹-۲۱)

استفاده از چنین وسایلی در دنیای قدیم که برای از بین بردن استحکامات دشمن مورد استعمال قرار می‌گرفته‌اند، در دنیای امروز و به سبب پیشرفت فناوریهای بشر شاید چهره‌ای جدید به خود گرفته باشد؛ اما، در واقع راه و شیوه همان است و ابزار است که نو گردیده و منجنیق و مانند آن جای خود را به موشک و توپخانه و داده است.

پنهان کردن گنجها پیش از لشکرکشی:- ۱۶

اسکندر پیش از این که این سفر را آغاز کند فرمان می‌دهد تا سپاهیان گنج‌هایشان را پنهان کنند و همراه خویش نیاورند. این عمل اسکندر دو دلیل دارد و هر دو آن‌ها در اسکندر نامه ذکر شده است. و نظامی با دقتی مثال‌زدنی اشاره‌ای موجز اما کافی بدان داشته است:

نخست آنکه دشمنان به گنج وی دست نیابند:

نباید که ضایع شود رنج او شود روزی دشمنان گنج او

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۲۳۷)

و دلیل دوم آنکه سپاه سیر و بی نیاز سخت‌کوش نیستند و در جنگ کاهلی می‌کنند از ترس آنکه مبدا داشته‌های خود را از دست دهند و در مقابل سپاهی که احتیاج فراوان دارند و غنائم جنگی را در صورت پیروزی بسیار می‌بینند، به‌سختی با سپاه ثروتمند مبارزه می‌کنند تا آنچه می‌توانند به غنیمت بگیرند.

یکی آنکه سیران نکوشند سخت که ترسند از ایشان ستانند رخت

دگر آنکه ناسیری آید به جنگ دودستی زند تیغ بر بوی رنگ

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۲۷۴)

غنائم جنگی

ز بس غارت آوردن از بهر شاه غنیمت نگنجید در عرضگاه

چو شاه آن متاع گران سنج دید چو دریا یکی دشت پر گنج دید

هم از زرّ کانی، هم از لعل و در بسی چرم و قنطار ها کرده پر

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۴۹)

معمولاً آخرین نکته‌ای که در جنگ به آن پرداخته می‌شود، غنائم جنگی است. این غنائم از چند لحاظ حائز اهمیت هستند، اولاً آنکه وضعیت اقتصادی طرف پیروز را بهبود می‌بخشد و به او کمک می‌کند که از پس مخارج پسا جنگی خود برآید. از طرف دیگر برای سربازان لشکر فاتح شیرینی و شادی روانی به ارمغان می‌آورد و درواقع باعث ارضا شدن یکی از نیازهای فرد که خود سبب انگیزش روانی او برای جنگ گشته است می‌گردد. از دیگر سو این غنائم همیشه مالی نیستند و بسیاری اوقات ابزار و وسایل و آلات حرب هستند یا

حیوانات جنگی مانند فیل و چون آن، که این خود به لشکر فاتح قدرتی بیشتر می‌بخشد تا با استفاده از آن در جنگ‌های بعدی به سامان تر و آسان‌تر نبرد کنند.

غنائم جنگی نقش بزرگی را در وضعیت اقتصادی حکومت‌ها بازی می‌کنند و بدون این غنائم، گاه کار مملکت به خلل می‌خورد؛ چنان‌که در حکومت‌های دیگر نیز چنین بوده است. به‌عنوان مثال در کتاب تاریخ غزنویان «بازورث» نیز می‌بینیم که یکی از منابع مالی در اختیار غزنویان که آن‌ها را در اداره حکومت غزنوی یاری می‌نمود، غنائمی بود که از سفرهای جنگی مخصوصاً به هند به دست آورده بودند و این یکی از پنج راهی بود که از غزنویان برای به دست آوردن درآمدهای هنگفت مالی و استفاده از آن در راه مملکت‌داری از آن استفاده می‌نمودند. (بازورث، ۱۳۷۲، ۶۳-۶۴) این غنائم نه‌تنها در تثبیت حکومت و آرامش فکری پادشاه نقش بزرگی داشتند در جنگ‌های بعدی هم به یاری پادشاه و دستگاه حکومتی آمده و به آن‌ها امکان تأمین منابع را برای جنگ‌ها می‌دادند و همان‌طور که می‌دانیم، بخشی از این گنج‌ها به سپاهیان اهدا می‌شود که این نیز در تزریق روحیه و ایجاد نوعی دلگرمی در میان لشکریان به‌شدت مؤثر است.

اسکندر نیز چنین می‌کند و گنج خویش را با سپاه شریک می‌شود.

در گنج بگشاد بر گنج خواه توانگر شد از گنج گوهر سپاه

(نظامی، ثروتیان، ۱۳۸۶، ۱۵۲)

خاتمه بحث: به‌جز موارد هفده‌گانه بالا که تقریباً به‌تفصیل درباره آن‌ها توضیح دادیم منش شخصی اسکندر که در جدول شماره (۱) در زیر به کوتاهی بدان اشاره می‌شود مجموعه عواملی بوده‌اند که در اسکندرنامه نظامی از اسباب پیروزی او در تقابل با دشمنانش محسوب گردیده‌اند.

جدول شماره (۱): ویژگی‌های شخصیتی اسکندر مقدونی

ردیف	شواهد از اسکندرنامه (شرف نامه نظامی)	صفات ایجابی در اسکندرنامه
۱	در آموختش آنچه نتوان شمرد	آموزش دیده
۲	۱- شمشیرزنی ۲- تیراندازی ۳- سوارکاری	مهارت در رزم انفرادی
۳	به عبرت در آن کشتگان بنگریست	اهل عبرت
۴	نشاید کشیدن سر از سرنوشت	اهل تقدیر و سرنوشت
۵	بداندیش تو هست بیدادگر/ بیبچد رعیت ز بیداد سر	دوری از بیدادگری
۶	هم او همتی زیرک اندیش داشت	عزم و اراده
۷	هم اندیشه زیرکان بیش داشت	زیرک
۸	دل مرزبان هم بدو مهربان	مهربان و با عطفوت
۹	ولایت زعدلش پرآوازه گشت	عادل
۱۰	به دل گفت: آن به که شیری کنم/ درین ترسناکان دلیری کنم دلیری است هنجار لشکر کشی/ سرافکنندگی نیست در سرکشی	شجاع و دلیر
۱۱	جنگ با دارا به علت اینکه پرداخت خراج را تحقیر می‌دانست.	عزتمند
۱۲	نخستین لشکر کشی اسکندر برای رفع ستم زنگیان از مصریان و به درخواست خود آنان صورت گرفت	یاور ستمدیدگان
۱۳	به فرمان کار آگهان کارکرد	اهل مشورت
۱۴	همان عهد دیرینه برجای داشت	پایبند عهد و پیمان
۱۵	که بود از پدر دوست انگیز تر	دوست انگیز (دارای جاذبه)
۱۶	نبخشود هرگز خداوند هشی/ بر آن بنده کاو شد خداوند کش	تنبیه خائنان
۱۷	به دشمن کشی تیغ او تیزتر	دشمن ستیز
۱۸	به هنگام لشکر بر آراستن صبوری ز خود خواه و فتح از خدای	اهل توسل و دعا صبور و بردبار
۱۹	چنان شد که با زور بازوی او نچربید کس در ترازوی او	قوی و قدرتمند
۲۰	به انبوه می با جوانان گرفت	جوان گرایی
۲۱	نه آن کرد با مردم از مردمی به بازارگان رها کرد باج ز دیوان دهقان قلم برگرفت	مردم داری که آید در اندیشه آدمی نجست از مقیمان شهری خراج به بی‌مایگان هم درم درگرفت
۲۳	روش اسکندر در تمام جنگ‌ها	آغازگر جنگ نبودن
۲۴	ارسال پیک	استفاده از شیوه‌های صلح آمیز
	ارسال نامه	
۲۵	در خطاب به دارا بعد از شکست او: چه تدبیر داری مراد تو چیست؟	برخورد انسانی با مغلوبان
۲۶	شه آن وحشیان را که بود از حبش نفرمود کشتن در آن کشمکش	نکشتن آسیران
۲۸	شه دادگ داور، دب، بناه خودانست کاه، د، نگ، سیاه	سربو نبودن در ورود به جنگ
۳۰	به آزدن کس نیاورد رأی	بدون آزار
۳۱	گشاده دودستش چو روشن درخش	بخشنده
۳۲	همه خار می‌کند و گل می‌فشاند	غم‌دا / شادی‌افزا
۳۵	اسکندر مردی محتال و گریز بود. (بیبھیقی)	خده، حیلہ در جنگ
۳۶	جستجوی مدینه فاضله	آرمانگرا
۳۷	در گنج بگشاد برگنج خواه توانگر شد از گنج و گوهر سپاه	قدردان
۳۹	در نظر اسکندر رسیدن به حیات جاوید اگر هم رضایت او را تأمین کند متضمن تأمین سعادت جامعه‌اش نیست.	ایثار (ترجیح) دیگران بر خود
۴۰	اسکندر وعده مالی که به قاتلان دارا داده بود بعد از ادای وعده دستور داد آن‌ها به دار بیاویزند	وفای به عهد

نتیجه‌گیری

بامطالعه اسکندرنامه یکی از متون رزمی ادب فارسی با مجموعه‌ای از اندیشه‌های نظامی مواجه شدیم. چنانکه دیدیم استراتژی‌های جنگی بسیاری هستند که در جای‌جای متون کهن ما مطرح شده‌اند و این استراتژی‌ها حتی امروز هم در جنگ‌ها به کار می‌روند. بسیاری از اندیشه‌های قدما هنوز هم حائز اهمیت، اعتبار و ارزش‌اند و این اعتبار و ارزش هرگز از دست نمی‌رود و تا زمانی که آدمی از روی غریزه به نبرد می‌پردازد و جنگ، این کنش طبیعی بشر، رخت از جهان برنسته است عواملی تعیین‌کننده در آن هستند. مؤلفه‌هایی از قبیل: انتخاب محل جنگ، نحوه آرایش سپاه، ترکیب جمعیتی سپاه، استفاده از قومیت‌های گوناگون در ترکیب لشکر، توجه به کمیت یا کیفیت سپاه، روحیه جنگاوری، دادن وعده غنائم جنگی و پاداش مادی، دیده‌بانی، حفاظت از مناطق تصرف‌شده، استفاده از حربه رُعب و وحشت‌افکنی در میان سپاه دشمن، رجزخوانی، عنصر موسیقی یا مارش نظامی، مین‌گذاری، استفاده از منجنیق، مقابله‌به‌مثل، ازجمله شگردهای مورد اِعتنای اسکندر درنبرد با مخالفین بوده است. البته ویژگی‌های شخصیتی اسکندر از قبیل: آموزش‌دیده و دارای مهارت در رزم فردی (شمشیرزنی، تیراندازی، سوارکاری) متناسب با نیازهای یک نظامی موفق در دنیای کهن، دارای فضیلت شجاعت و دلیری، یاور ستم دیدگان، اهل مشورت و به‌دوراز استبداد رأی در سیاست‌های تدافعی، صبور و بردبار، آگاه از توانایی‌های خود و دشمن، واقف به نقاط ضعف خود و دشمن، پرهیزکننده از جنگ تا زمانی که شیوه‌های صلح‌آمیز کارگشا باشد. دارای برخورد انسانی با مغلوبان جنگ و اسیران دشمن. خوار نشمردن دشمن خرد. به دور بودن از شتاب‌زدگی، غرور و خشم و است. هر یک از این مؤلفه‌ها با کاربست درست، می‌توانند سرنوشت سپاهی، جنگی و حتی ملّتی را تغییر دهند.

منابع:

- آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۸۴) گنجور پنج گنج، گزیده اشعار نظامی، چاپ سوم، تهران، سخن.
- توسی، خواجه نظام الملک. (۱۳۸۹). سیاست‌نامه، تصحیح هیوبرت دارک، تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریچاردسون، اف.ام. (۱۳۶۹). روحیه جنگی و عوامل روانی جنگ، ترجمه پیروز ایزدی. دانشگاه امام حسین.
- زکریای قزوینی، (۱۳۷۲) آثارالعباد و اخبار البلاد(ترجمه جهانگیر میرزا، تصحیح و تکمیل، محدث هاشم، تهران، امیر کبیر.
- سون تزو (۱۳۶۴)، هنر جنگ، ترجمه حسن حبیبی، تهران انتشارات قلم.

- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۶). تاریخ ادبیات در ایران، جلد اول و دوم، تهران. انتشارات فردوس.
- قابوس بن وشمگیر، عنصرالمعالی. (۱۳۴۵). قابوس‌نامه، به تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران. انتشارات علمی و فرهنگی.
- کلیفورد، بازورث. (۱۳۷۲). تاریخ غزنویان. جلد اول و دوم. ترجمه حسن انوشه، تهران. امیر کبیر.
- مدبر، فخر (۱۳۴۶). آداب الحرب والشجاعه. تصحیح احمد سهیلی، تهران. اقبال.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶). شرف‌نامه. تصحیح بهروز ثروتیان، تهران. امیرکبیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶). اقبال‌نامه. تصحیح بهروز ثروتیان، تهران. امیرکبیر.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۸) شرف‌نامه. با تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران نشر قطره.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۷۶) لیلی و مجنون، با تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. تهران نشر قطره.
- نوروزی، زینب: ۱۳۹۱، فرهنگ نظامی پژوهی، تهران، علمی و فرهنگی.
- هومر. (۱۳۷۲). ایلیاد. ترجمه سعید نفیسی. تهران. انتشارات علمی فرهنگی.
- Skelton, Debra. Dell, Pamela, Empire of Alexander the Great, New York Facts on File
- Stanford Encyclopedia of Philosophy, index war
- Jan Nill, René Kemp (2009), Evolutionary approaches for sustainable innovation policies: From niche to paradigm? Research Policy. 38: 668–680